

A Critical Review of the Monotheism of Meccan Polytheists in God's Monotheism based on Verse 31 of Surah Yunus

Mohammad Baqer Pouramini *

Assistant Professor, Department of Theology and New Theology, Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran

Accepted: 28/12/2023

Abstract

Introduction

The arrangement of the universe belongs to God, and the divine verses, by proving the monotheism of God, make worship for God, and commentators believe that the condition of believing in God's Lordship can be recognized in the fulfillment of worship. What worship of God is realized after believing in His Lordship.

Relying on the opinion of Ibn Taymiyyah Harrani, the Salafis state the threefold division of monotheism as "divine", "names and attributes" and "divine" and with religious and divine monotheism, simply believing in the monotheism of God is not enough and that they do. I do not consider Islam to be a person and they claim that the polytheists at the beginning of Islam believe in Allah, the Creator and Lord, and they are the only ones who disbelieve in divine monotheism.

In order to prove that the polytheists are united in God's monotheism, they emphasize more on verse 31 of Surah Yunus: "Say: Who will provide for you from the heavens and the earth is safe for your deeds." The living are raised from the dead, and the dead are raised from the living, and whoever manages the affairs, they say to Allah. Under this verse, there are verses 84 and 85 of

Received: 01/10/2023

eISSN: 2538-2012

ISSN: 2008-9252

* Corresponding Author: pouramini47@yahoo.com

How to Cite: Baqer Pouramini, M. (2023). A Critical Review of the Monotheism of Meccan Polytheists in God's Monotheism based on Verse 31 of Surah Yunus, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 14(54), 67-89.

Surah Mominun, "Saiqulun Lallah" and by emphasizing its appearance, the Salafists attribute the management of the affairs of the world to God, and God is the manager of the affairs of the world, and by relying on this deviant interpretation, they consider it to be far from monotheism. They commit shirk in worship and fall into the vortex.

The main subject of this article is the critical examination of polytheism in God's monotheism by the Salafists, and in this article, while explaining the polytheism of God in the Jahili era, he considers the Salafion's view to be incompatible with the Salaf's understanding. While analyzing the reason for the promotion of this idea, the order of worship is emphasized on Lordship and the inseparability of the two, and while examining the verses cited by the Salafis, the verses that refer to the polytheism of polytheists are mentioned. Basically, the numerous verses of the Qur'an consider the conflict of Meccan polytheists with the Messenger of God (PBUH) and the believers based on the Lordship of God Subhanahu wa Ta'ala. As a result, worshipful polytheism is associated with divine polytheism, and therefore the worship of God is realized after believing in His Lordship. The intentional mistake of the Salafis in considering Muslims as polytheists is not distinguishing between independent and rational planning in existence.

Literature Review

This topic is mentioned in the book "Al-Tawheed and Shirk" by Ayatollah Sobhani and some of his theological works, the articles "Wahhabiun and Tawhid Raboubi" by Ayatollah Rabbani Golgani in the chapter of Siraj Munir, "Shark Allah Fi Qur'an". The Age of Decline in the Mirror of Natural Interpretation" written by Mr. Ali Khorasani has been reviewed in the Quarterly Journal of Natural Tafsir Research. But in this article, while explaining the emphasis of worship order on Lordship, the viewpoint of the Salafists and their reference to verse 31 of Surah Yunus can be criticized and inconsistent with other verses of the Qur'an.

Methodology

This article has been compiled using library sources in a descriptive-analytical way.

Results

The planning of the world is exclusive to God, and the divine verses, by proving God's monotheism, make worship exclusive to God, and therefore God is the reason for worship.

By promoting the belief of the polytheists who believe in the monotheism of God and the distorted interpretation of the Qur'anic verses, the Salafis are trying to accuse Muslims of polytheism and their distance from the monotheism of worship, but in this way, they have committed several big mistakes:


1. The analysis of the verses of the Quran, especially verse 31 of Surah Yunus, is wrong by the Salafists, and this passage from the verse "Siqloon Allah" is for the welcome and the future, and it shows the importance that such a word was not in the mind and expression of the polytheists, and they actually believed They didn't have it and if they think about it, they will admit it soon.
2. The verses of the Holy Qur'an are proof of the polytheists' reflection and opposition in the category of God's Lordship, and even they openly considered idolatry as Lord, and the Qur'an considers the conflicts of the Meccan polytheists with the Messenger of God (PBUH) and the believers to be based on the Lordship of God, Glory be to Him.
3. The view of the Salafis in the polytheists' belief in the Lordship of God is incompatible with the opinion of the Salaf who are companions and subjects, and it calls into question their following the Salaf.
4. Belief in the independence of beings is the influence of polytheism in God's monotheism. However, the belief that some of God's special servants, such as some prophets and pure imams, have the power to do these things by God's permission, is not only polytheism, but also monotheism. The deliberate mistake of the

Salafis in considering Muslim polytheists is not distinguishing between independent planning in existence.

Keywords: The Holy Quran, polytheists, Ibn Taymiyyah, Salafis, Monotheism of God.



تحلیل انتقادی موحد انگاری مشرکان در توحید ربوبی بر محور آیه ۳۱ سوره یونس

محمدباقر پورامینی *  استادیار گروه کلام و الهیات جدید پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران

چکیده

سلفیان ضمن تقسیم‌بندی توحید ربوبی و الوهی، بر باورمندی مشرکان بر توحید ربوبی اصرار دارند و آسیب بزرگ آنان را شرک عبادی می‌دانند و با استناد به آیه ۳۱ سوره یونس و آیات مشابه، مسلمانان را به دوری از توحید در عبادت و افتادن در گرداب شرک متهم می‌کنند. مسئله اصلی این نوشتار بررسی انتقادی موحد انگاری مشرکان در توحید ربوبی از سوی سلفیون است و در این مقاله تلاش می‌شود ضمن تبیین شرک ربوبی در عصر جاهلی، نگره سلفیون را در تضاد با فهم سلف دانسته و ضمن تأکید بر ترتب عبادت بر ربوبیت و عدم تفکیک آن دو، آیات مورد استناد ایشان بخصوص آیه مورد اشاره بررسی شده و به آیات ناظر بر شرک ربوبی مشرکان اشاره شود؛ آیات متعدد قرآنی گواه تأمل و مخالفت مشرکان در مقوله رازقیت پروردگار و امور دیگر از سوی خداوند است و غالب نزاع‌های مشرکان مکه با رسول الله (ص) و مومنین را بر محور ربوبیت خداوند سبحان می‌داند.

کلیدواژه‌ها: توحید ربوبی، توحید عبادی، سلف، سلفیون، مشرکان، آیه ۳۱ یونس، ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب.

۱. مقدمه

مشهورترین مراتب توحید به توحید ذاتی، صفاتی، افعالی و الوهی (عبادی) اختصاص دارد و توحید ربوبی ذیل توحید افعالی جای می‌گیرد؛ آنکه پس از مرحله آفرینش جهان، در تدبیر و اداره عالم، تنها خداوند نقش ایفا می‌کند و اداره آن منحصر به اوست و کارگردانی دیگر علل در پر تو اذن و قدرت اوست.

سلفیان با تکیه به ابداع ابن تیمیه حرانی، تقسیم‌بندی سه گانه توحید ربوبی، اسماء و صفات و الوهیت را عنوان می‌کنند. ابن تیمیه به ارائه تقسیم‌بندی دو گانه نیز مبادرت کرده و آن را به توحید ربوبی و توحید طلب و سؤال که همان توحید الوهی است تقسیم کرده است (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۵ / ۲۴۹).

سلفیون با تمرکز بر توحید عبادی و الوهی، صرف باور به توحید ربوبی را کافی ندانسته و آن را نشان دهنده اسلام شخص نمی‌دانند و مدعی‌اند مشرکان صدر اسلام به الله خالق و رب باور داشتند؛ زیرا به توحید ربوبی و توحید در اسماء و صفات معتقد بوده و به توحید الوهی کافر بوده‌اند و انبیاء بیشترین تلاش خود را در تبیین و تثبیت توحید عبادی و الوهی قرار داده است (ر.ک؛ ابن تیمیه ۱۴۰۷: ۱۰۲). سلفیون با این نگاه خطا و قرائت مختص به خود از مراتب توحید، مسلمین را به دوری از توحید در عبادت و افتادن در گرداب شرک متهم می‌کنند.

مسئله اصلی این نوشتار بررسی انتقادی موحد انگاری مشرکان در توحید ربوبی از سوی سلفیون است و تلاش می‌شود ضمن تبیین شرک ربوبی در عصر جاهلی، نگره سلفیون را در تضاد با فهم سلف دانسته و ضمن تاکید بر ترتب عبادت بر ربوبیت و عدم تفکیک آن دو، آیات مورد استناد ایشان بخصوص آیه ۳۱ سوره یونس بررسی شده، از آیات ناظر بر شرک ربوبی مشرکان یاد شود.

۱. ادعای سلفیان بر باورمندی مشرکان در توحید ربوبی

سلفیان ضمن تقسیم‌بندی توحید ربوبی و الوهی، بر باورمندی مشرکان بر توحید ربوبی اصرار دارند و مدعی‌اند مشرکین عرب به ربوبیت خدا باور داشتند و منکر وجود دو رب

تحلیل انتقادی موحد انگاری مشرکان در توحید ربوبی بر محور آیه ۳۱ سوره یونس؛ پورامینی | ۷۳

برای عالم بوده‌اند و تنها در عبودیت مشرک بودند (ر.ک؛ محمد بن عبد الوهاب، ۱۴۱۸: ۱۵/ بن باز، بی تا: ۲ / ۷۱ و ۷۲ / صالح بن فوزان، ۱۴۲۰: ۶)؛ محمد بن عبد الوهاب با نگارش کتاب «القواعد الاربع» بر این باور است که کفار زمان رسول الله (ص) به توحید ربوبی معتقد بوده و نسبت به توحید الوهی مشرک بودند.

«أَنَّ الْكُفْرَ فِي زَمَنِ الرَّسُولِ الَّذِينَ قَاتَلَهُمْ كَانُوا مُقَرَّبِينَ بِتَوْحِيدِ الرَّبُّوبِيَّةِ، وَلَمْ يَكُونُوا مُقَرَّبِينَ بِتَوْحِيدِ الْأَلُوْهِيَّةِ» (ر.ک؛ محمد بن عبد الوهاب، بی تا: ۲۰۰).

پیشوای وهابیت مدعی است که خداوند آخرین رسول حضرت محمد (ص) را برای مردم (مشرکین) فرستاد؛ مردمی که (خداوند) را عبادت می کردند و حج بجا می آوردند و صدقه داده و اهل ذکر زیاد خداوند بودند (ر.ک؛ محمد بن عبد الوهاب، ۱۴۱۸: ۳). بن باز با صراحت بیشتر مدعی است توحیدی که همه انبیاء مردم را بدان فرا می خواندند سه نوع بود، توحید ربوبی و توحید در اسماء و صفات دو نوع از توحیدی است که مشرکان بدان اقرار داشتند (ر.ک؛ بن باز، بی تا، ج ۲: ۳۴).

سلفیان با اشاره به توحید ربوبی، آن را شامل خلق و تدبیر می دانند؛ محمد بن عبد الوهاب مدعی است: «توحيد الربوبية فعل الربّ مثل الخلق و الرزق و الإحياء والإماتة وإنزال المطر وإنبات النبات و تدبير الأمور» (محمد بن عبد الوهاب، ۱۴۱۸: ۶۶). آنان بر این باورند که توحید همان اعتقاد به یگانگی پروردگار در آفرینش و رزق و تدبیر است: «توحيد الربوبية: بأن يعتقد العبدان الله هو الربّ المتفرد بالخلق و الرزق و التدبير الذي ربّى جميع الخلق بالنعم و ربّى خواصّ خلقه و هم الانبياء و اتبعهم بالعقائد الصحيحة». (آل سعدی، ۱۴۲۳: ۱۷).

جمعی از سلفیان بر ایمان جازم مشرکان به ربوبیت خدا تأکید دارند، در بیان باشمیل سلفی «فقد كان هؤلاء المشركون يومنون بوجود الله ايماناً جازماً و يوحّدونه في الربوبية توحيداً كاملاً لا يشوبه اية شائبة اى انهم كانوا يعتقدون انه تعالى ربهم و رب كل شىء». همو ابوجهل و ابولهب و مشرکان مکه را به دلیل باورمندی به ربوبیت الهی موحدتر از مسلمانان می شمارند (ر.ک؛ باشمیل، ۱۴۰۶: ۱۱ و ۱۲). عواد معتقد سلفی بر عدم خلاف میان

پیامبر(ص) و مشرکان عرب در مساله ربوبیت اذعان دارد و لیکن در ادامه بر اقرار مشرکان نسبت به خالقیت خدا استناد می‌کند «بل كانوا یقرون بأن الله خالق کل شیء» (معتق، بی تا: ۷۶ / ۱۰۵)

تفسیر ربوبیت به خالقیت از اشتباهات رائج وهابیان است، زیرا مشرکین عرب قائل به خالقیت بت‌ها نبودند، ولی به ربوبیت آنها باور داشتند «وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (لقمان: ۲۵).

تفسیر سلفیون از الوهیت و ربوبیت نقطه محوری انحراف ایشان است. آنان عبادت را مترتب بر ربوبیت نمی‌دانند؛ العثیمین بیان می‌دارد اگر کسی که اقرار کامل به توحید ربوبی و توحید در اسماء و صفات داشته باشد آرمیده در قبر را پیرسد و یا نذری برای او بنماید، چنین فردی مشرک و کافر است، او با این مقدمه مشرکین عصر پیامبر اکرم (ص) را مقرر به ربوبیت خداوند دانسته، لیکن چون در کنار خدا، دیگران را نیز می‌پرستیدند، مشرکینی مباح الدم و المال می‌گشتند (ر.ک؛ العثیمین، ۱۴۲۴: ۱۳).

سلفیون برای اثبات موحد بودن مشرکان به توحید ربوبی، بیشترین تأکید را به آیه ذیل دارند:

«قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْ مَنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (یونس: ۳۱).

این آیه هم مورد استناد سلفیون قرار دارد:

«قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ - سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ - قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ - سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (مومنون: ۸۴ و ۸۵).

ذیل هر دو آیه «سَيَقُولُونَ لِلَّهِ» وجود دارد و سلفیون با تأکید بر ظاهر آن معتقدند مشرکان تدبیر امور عالم را به خدا نسبت می‌دهند و خداوند مدبر امور عالم است (ر.ک؛ محمد بن عبد الوهاب، ۱۴۱۸: ۱۵ / بن باز، بی تا: ۲ / ۳۴ / باشمیل، ۱۴۰۶: ۱۱ و ۲).

۱-۱. روش پژوهش

این نوشتار، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی تدوین یافته است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی با موضوع نزدیک به پژوهش حاضر به شرح زیر است:

این موضوع در ضمن کتاب «التوحید و الشرك» از آیت‌الله سبحانی و برخی از آثار کلامی ایشان، مقالات «وهابیان و توحید ربوبی» از آیت‌الله ربانی گلپایگانی در فصلنامه سراج منیر، «شرك ربوبی مشرکان عصر نزول در آینه تفسیر تطبیقی» از علی خراسانی در فصلنامه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است؛ لیکن در این مقاله ضمن تاکید بر ترتب عبادت بر ربوبیت، آیات مورد استناد سلفیان بخصوص آیه ۳۱ سوره یونس بررسی شده، از آیات ناظر بر شرك ربوبی مشرکان یاد شود و بر این مهم تاکید گردد نگره سلفیون در تضاد با فهم سلف است.

۲. اتصال شرك عبادی و شرك ربوبی

تدبیر و مدیریت جهان هستی منحصر به خداوند است و آیات الهی با اثبات توحید ربوبی، عبادت را برای خداوند منحصر می‌سازد و به تعبیر زیبای ابوالفتوح رازی «عبادت نکند هیچ کس معبودی را الا پس از آن که اعتقاد ربوبیت او کرده باشد». (الرازی، ۱۳۷۶: ۴ / ۴۰۷). پیوند میان عبادت و ربوبیت در آیاتی چون «وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ» (مریم: ۳۶)، «وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲) آشکار است. در برخی از آیات چون «اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ» (مائده: ۷۲) و «اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ» (بقره: ۲۱) ربوبیت علت برای عبادت است از این رو چون مالک مدبری غیر از رب یگانه محال است؛ معبود بودن برای او انحصار دارد.

در برخی از آیات همچون «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ» (انعام: ۱۰۲) و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهِ النَّاسِ» (ناس: ۱-۳) ابتدا ربوبیت الهی بر مردم را بیان شده، لازمه این ربوبیت آن است که او مالک مردم است و از این رو او اله و معبود مردم باشد.

در تفسیر ثعلبی ذیل آیه «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُولُونَ الدُّبَارَ» (احزاب: ۱۵) به دیدگاهی اشاره می‌شود که عهد مورد اشاره در آیه عمل به دو شرط عبودیت و

ربوبیت (ثعلبی، ۱۴۲۲/۱: ۱۸۷).

از جمله آیاتی که بر پیوستگی بین دو صفت «اله» و «رب» دارد آیه «وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (حدید: ۸) است که بر همانندی ایمان به الوهیت و ربوبیت خدای تعالی دارد. از این رو مشرک به الوهیت ایزد متعال، مشرک به ربوبیت خداوندی نیز هست.

مشرکان هم بت می‌پرستیدند و هم به ربوبیت بت‌ها اذعان داشتند و به واقع شرک عبادی همراه و متصل با شرک ربوبی است و مشرکان به جایگاه ربوبی بتان باور داشته و آنان را در تدبیر امور عالم اثرگذار می‌دانستند و آنگاه آنان را شایسته پرستش می‌انگاشتند. قرآن افزون بر شرک الوهی، مشرکان را مشرک ربوبی نیز می‌شمارد. زمانی که قرآن وجود بتان را عامل فساد هستی می‌نامد بدیهی است وجود بت با برخورداری از صفت الوهیت بدون در نظر گیری ویژگی ربوبیت، عالم هستی را به فساد نمی‌کشد بلکه بتی زمینه فساد و ویرانی هستی خواهد داشت که دارای قدرت تصرف در هستی باشد. از این رو در نگاه مشرکان بت‌ها هم جایگاه الوهی داشتند و هم از جایگاهی ربوبی برخوردار بودند که مورد پرستش قرار می‌گرفتند.

«أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ. لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (انبیاء: ۲۱ و ۲۲)؛ آیا آنها خدایانی از زمین برگزیدند که (خلق می‌کنند و) منتشر می‌سازند؟! اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فساد می‌شدند (و نظام جهان به هم می‌خورد)! منزّه است خداوند پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می‌کنند!

واژه «آلهه» بیانگر ویژگی ربوبیت و تدبیر امور نیز است و به نوعی پیوستگی «الوهیت» و «ربوبیت» را به دنبال دارد. طبری سنی و طبرسی شیعی واژه «ینشرون» را به «یحیون الاموات» تفسیر کرده و مشرکان را باورمند به زنده کردن اموات از سوی آلهه می‌دانند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۲۰: ۱۶/۲۴۵؛ طبرسی، ۱۴۱۵: ۷/۷۰).

طبری «توحید در ربوبیت» را در کنار خضوع همراه با طاعت شرط تحقق عبادت

می‌داند و چنین عبادتی را مخصوص خدای سبحان به عنوان اله دانسته، مدعی است «والخضوع له بالطاعة، وإفراد الربوبية له والعبادة دون الأوثان والأصنام والآلهة. لأنه جل ذكره هو خالقهم وخالق مَنْ قبلهم من آبائهم وأجدادهم، وخالق أصنامهم وأوثانهم وآلهتهم». (طبری، ۱۴۲۰: ۱ / ۳۶۲). فخر رازی نیز شرط باور به ربوبیت معبود را در تحقق عبادت امری لازم می‌داند (ر.ک؛ فخرالدین الرازی، ۱۴۲۰: ۳۲ / ۲۹۸).

۳. تضاد فهم سلف و سلفیون

در عصر جاهلی، چند ربی در اندیشه و عمل مردم جاری بود و «الله» پروردگار یگانه به شمار نمی‌رفت و اعتقاد به عرضیت غیر خدا در کنار خدا در میان مشرکان وجود داشت و بت پرستان به ربوبیت بت‌ها باور داشتند و آن‌ها را «رب» خطاب کرده، در جلب خیر و دفع شر برای خود و دیگران از آنان یاری می‌جستند (ر.ک؛ ابن کلبی، ۱۳۶۴: ۵۴ و ۵۹). باورمندی مشرکان به ربوبیت خدا فرض غلطی خواهد بود و در میان سلف این نکته که مشرکان به توحید ربوبی باور داشتند مطرح نبوده است و سلفیون فهم دگرگونی از فهم سلف در این زمینه دارند.

صحابی نامی ابن عباس در تفسیر آیه «دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ دُونَ أَوْثَانِهِمْ» بر گرایش مشرکان به خدا در وقت سختی اذعان دارد و تاکید می‌کند آنان در گشایش و در امور جاری به ربوبیت بت‌ها باز می‌گشتند و شرک ربوبی داشتند (ر.ک؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲ / ۳۲۴).

ابوحنیفه تابعی (متوفی ۱۵۰ق) اقرار به ربوبیت را جزئی از ایمان می‌شمارد (ر.ک؛ ابوحنیفه، ۱۴۱۹: ۳۱). ابوالحسن اشعری (۲۶۰-۳۲۴ق) نیز تاکید دارد که دشمنی مشرکان با پیامبر (ص) از زمانی شروع شد که آن حضرت رسالت اش را آغاز کرد و از مشرکان مکه به خاطر بزرگداشت بت‌ها و پرستش آتش و بزرگداشت ستارگان و «انکار ربوبیت» خدا پیش از رسالت تبری جستند (ر.ک؛ اشعری، ۱۴۱۳: ۱۰۰).

۴. شرک ربوبی در عصر جاهلی

در عصر جاهلی، چند ربی در اندیشه و عمل مردم جاری بود و «الله» پروردگار یگانه به شمار نمی‌رفت و اعتقاد به عرضیت غیر خدا در کنار خدا در میان مشرکان وجود داشت و بت پرستان به ربوبیت بت‌ها باور داشتند و آن‌ها را «رب» خطاب کرده، در جلب خیر و دفع شر برای خود و دیگران از آنان یاری می‌جستند (ر.ک؛ ابن کلیبی، ۱۳۶۴: ۵۴ و ۵۹).

با درنگ در تاریخ ورود بت به مکه و نقش عمرو بن لحنی در دوری مردم مکه از دین حضرت ابراهیم (ع) و گرایش آنان به بت‌پرستی، به شرک ربوبی آنان می‌توان پی برد؛ همو در شام جمعی را در حال پرستش بت‌ها دید و به آنها گفت: این بت‌ها چیست که می‌بینم شما می‌پرستید؟ گفتند: اینها بت‌هایی هستند، ما با آنها باران می‌خواهیم و باران می‌بارد، با آن کمک می‌جوئیم و پیروز می‌شویم. او سپس با همین انگیزه بت هبل را به مکه آورد (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۶ / ۳۳۷ و ۳۳۸).

آیات قرآنی گواه شرک ربوبی مشرکان عصر بعثت پیامبر (ص) است و مفسرانی چون طبری و ابن کثیر سلفی اذعان دارند که آیه «قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ بَعْثًا لِّرَبِّكَ وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ» (انعام: ۱۶۴) گواه است که مشرکان قریش بر سر ربوبیت خدای با رسول الله (ص) نزاع داشتند و خداوند دستور می‌دهد به مشرکانی که بت‌ها را رب خود قرار داده و آنها را می‌پرستند بگو: آیا من غیر از خدای سبحان ربی بجوئیم در حالی که خدای سبحان رب و همه چیز است (ر.ک؛ طبری، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۲۸۵ / ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۳ / ۳۴۴). ابوالحسن اشعری نیز انکار ربوبیت از سوی مشرکان را از علل مواجهه ایشان با پیامبر (ص) می‌داند (ر.ک؛ اشعری، ۱۴۱۳: ۱۰۰).

زمخشری (متوفی ۵۳۸) مخاطب آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ» را مشرکان مکه می‌داند. او در بیان مراد «ربکم» معتقد است «كان المشركون معتقدين ربوبيتين: ربوبية الله، وربوبية آلهتهم» آنان دو ربوبیتی بودند و به ربوبیت الله در کنار ربوبیت آله‌های خویش باور داشتند (ر.ک؛ الزمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۸۹).

مقدس‌سی (متوفی ۳۵۵) درباره یکی از قبایل عصر جاهلی مدعی است: بنوحیفه «رب»

تحلیل انتقادی موحد انگاری مشرکان در توحید ربوبی بر محور آیه ۳۱ سوره یونس؛ پورامینی | ۷۹

را از حیس (توعی حلوی خرمایی) برگرفتند و یک عمر او را پرستش کردند، سپس به وقت قحطی آن را خوردند و بعضی از آنان چنین سرودند:

أكلت حنيفة ربها زمن التقم والمجاعة

حنیفه رب خودش را خورد، زمان دخل و تصرف و قحطی (ر.ک؛ مقدسی، بی تا: ۳۱/۴ و ۳۲).

کیفیت اسلام آوردن صحابی رشید بن عبد ربه السلمی نیز تصویری از چند ربی مشرکان دارد؛ روزی نزد بت بود که دو روباه نزدیک شدند و یکی از آنها پای خود را بلند کرد و بر بت ادرار کرد! رشید السلمی ندا داد: آیا بتی که روباهان بر سرش بول می کنند رب است!

أرب يبول الثعلبان برأسه لقد هان من بالثعلب عليه الثعالب

برای این صحابی روشن شد. که بت‌ها برای خود هیچ سود و ضرری ندارند، پس بت را شکست و راهی مدینه شد و نزد رسول الله (ص) آمد و اسلام آوردن خود را اعلام کرد (ر.ک؛ العسقلانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۳۶۱، ابن فارس، ۱۴۱۸: ۶۸؛ بیهقی، ۱۴۰۸: ۱۲۱).

۵. تحلیل آیات مورد استناد در موحد بودن مشرکان

سلفیون برای اثبات موحد بودن مشرکان به توحید ربوبی، با استناد به آیات ۳۱ سوره یونس و ۸۴ و ۸۵ سوره مؤمنون مدعی اند خداوند مدبر امور عالم است؛ در ذیل این آیات جمله «سَيَقُولُونَ لِلَّهِ» وجود دارد که در نگاه ظاهر گرای سلفیان مشرکان تدبیر امور عالم را به خدا نسبت می دهند (ر.ک؛ محمد بن عبدالوهاب، ۱۴۱۸: ۵؛ بن باز، بی تا: ۲ / ۳۴).

«قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ - سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ - قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ - سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (مؤمنون: ۸۴ و ۸۵).

در نقد فهم نادرست از آیه چند نکته مدنظر است:

الف. وجود حرف «س» در «سَيَقُولُونَ» که برای استقبال و آینده است، بر این مهم دلالت دارد که چنین سخنی در ذهن و بیان مشرکان نبود و ایشان بالفعل این باور را نداشتند و اگر آنان تدبر و تأمل کنند، به زودی چنین سخنی خواهند گفت و اعتراف خواهند نمود (ر.ک؛

الالوسی، ۱۴۱۵: ۵۸/۱۸). ابن کثیر سلفی این فراز را چنین تفسیر می‌کند: اگر تصدیق کنید که او پروردگار آسمان‌ها و پروردگار عرش بزرگ است، آیا از عذاب او نمی‌ترسید؟ (ر.ک؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۳/۲۶۴).

ب. مشرکان خداوند را خالق و آفریدگار هستی می‌دانستند و از این رو خداوند تصریح دارد که «وَلَنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (زمر: ۳۸). بدیهی است بین «لیقولن الله» و «سیقولون الله» تفاوت است.

ج. اینکه مشرکان در مقابل چنین پرسشی دروغ گفتند و خلاف باور و اعتقادشان اظهار کردند نیز قابل تصور است و قرآن از برخی از ادعاهای دروغین مشرکان یاد می‌کند از جمله آنها به دروغ می‌گفتند رب و خالق خداوند متعال است:

«ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ * أَنْظِرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (انعام: ۲۳ و ۲۴)؛ سپس پاسخ و عذر آنها، چیزی جز این نیست که می‌گویند: «به خداوندی که پروردگار ماست سوگند که ما مشرک نبودیم» بین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می‌گویند، و آنچه را بدروغ هم‌تای خدا می‌پنداشتند، از دست می‌دهند!

طبری در تفسیر آیات فوق بر دروغ‌گویی مشرکان در دو سرا معتقد است، مشرکان حتی در روز قیامت و در برابر خدای متعال، به دروغ قسم خورده و مدعی می‌شوند که مشرک نبوده‌اند. البته دروغ‌گویی مشرکان، از جمله اخلاقی است که در دنیا نیز بدان متعلق بوده‌اند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۲۰: ۲۰/۲۱).

جالب آنست که شنقیطی سلفی (متوفی ۱۳۹۳) هم از دروغ‌گو بودن مشرکان یاد می‌کند و ذیل آیه «مَا تَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» (زمر: ۳) اذعان دارد مشرکان در ادعای اینکه بت‌ها را به جهت تقرب به خداوند متعال، می‌پرستیدند، جامع بین کذب و کفر بوده‌اند. یعنی هم دروغ می‌گفتند و هم در کفر، غرق بوده‌اند (ر.ک؛ الشنقیطی، ۱۴۱۵: ۳۵۳/۶).

د. علامه طباطبایی معتقد است مشرکان به تدبیر خدا و تدبیر ارباب باور داشتند و به واقع

ضمن اینکه معتقد بودند تدبیر عالم در دست خداست، تدبیر امور به وسیله ارباب را نیز قبول داشتند: منطق مشرکین این است که منتهی شدن تدبیرهای مختلف به مدبرهای گوناگون ایجاب می کند که غیر خدای تعالی ارباب گوناگون بسیاری وجود داشته باشد و آیه شریفه این حجت مشرکین را از این راه رد می کند که همه تدبیرهای مختلف به خدای تعالی منتهی می شود، (و به جای اینکه وجود این تدبیرها دلالت کند بر وجود مدبرهای مختلف، بر عکس) دلالت می کند بر وحدت مدبر، و اینکه رب همه چیزها و مدبر کل جهان خدای سبحان است، (چون وجود مدبرهای مختلف باعث اختلال تدبیر همه آنها و در آخر انهدام نظام عالم است). پس، آیه شریفه مشرکین را خطاب می کند به اینکه خود شما اعتراف دارید به اینکه آنچه از تدبیر که مختص به عالم انسانی است و آنچه از تدبیر که عمومی است، هم عالم شما انسانها را شامل است و هم کل جهان را و بالاخره منتهی به خدای سبحان است، پس باید قبول کنید که مدبر امر شما و امر کل جهان نیز هموست، پس هیچ ربی سواى او وجود ندارد (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۰/۵۲).

۶. آیات ناظر بر شرک ربوبی مشرکان

در کنار آیات مورد استناد سلفیون، آیات دیگر قرآن کریم گواه تأمل و مخالفت مشرکان در مقوله رازقیت پروردگار و امور دیگر از سوی خداوند است. مفسران اذعان دارند که مشرکان روزی را بجای اینکه از پروردگار درخواست کنند، از بتها می خواستند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۰) و از غیر خداوند رزق و عزت و اموری که از شئون ربوبیت است درخواست داشتند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۲۴۹)؛ آنسان که قرآن از رویه ایشان یاد می کند «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا» (مریم: ۸۱) و آنان غیر از خدا، معبودانی را برای خود برگزیدند تا مایه عزتشان باشد!

خداوند در این آیه به مشرکانی که بتها را منبع رزق و روزی می دانستند، دستور می دهد که خداوند متعال را به عنوان رازق قلمداد کنند:

«إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (عنکبوت: ۱۷)؛

شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید و دروغی به هم می‌بافید؛ آن‌هایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را بجا آورید که بسوی او بازگشت داده می‌شوید!

قرآن غالب نزاع‌های مشرکان مکه با رسول الله (ص) و مؤمنین را بر محور ربوبیت خداوند سبحان می‌داند (بقره: ۲۵۸ / رعد: ۳۰ / شعراء: ۲۵) و به صراحت ربوبیت خدای را دلیل نزاع‌ها می‌شمارد:

قُلْ أَعْبُدِ اللَّهَ ابْنِعِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ (انعام: ۱۶۴)؛ بگو: آیا غیر از خدا را به ربوبیت گزینم در صورتی که خدا پرورنده همه موجودات است؟

قرطبی ذیل آیه فوق اذعان می‌دارد که مشرکان مکه بت را رب می‌دانستند و از پیامبر (ص) خواستند تا بت‌ها را رب خود قرار دهد و آن حضرت در پاسخ می‌فرماید: آیا رب واقعی را رها کنم و غیر خدا (بت) را به عنوان رب بپذیرم؟ (ر.ک؛ القرطبی، ۱۳۸۴: ۷ / ۱۵۵ و ۱۵۶).

مفسرانی چون طبری و ابن کثیر سلفی اذعان دارند که این آیه گواه است که مشرکان قریش بر سر ربوبیت خدا با رسول الله (ص) نزاع داشتند و خداوند دستور می‌دهد به مشرکانی که بت‌ها را رب خود قرار داده و آن‌ها را می‌پرستند بگو: آیا من غیر از خدای سبحان ربی بجویم در حالی که خدای سبحان رب و همه چیز است (ر.ک؛ طبری، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۲۸۴؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۳ / ۳۳۴).

مشرکان مکه بر خلاف باور وهابیان، مشرک به شرک ربوبی بودند؛ قرآن گواهی می‌دهد که مشرکان از غیر الله رزق و نصرت را طلب می‌کردند و آنکه آلهه و بت‌ها مستقلاً قادر به یاری رسانی و دادن رزق در برابر خداوند هستند:

«أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ. مَنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ» (ملک: ۲۰ و ۲۱)؛ آیا آنان که یاران شما نیستند در برابر خدا یاریتان کنند؟ کافران در فریبی بیش نیستند. آیا کیست

آن که به شما روزی دهد اگر او روزی خویش باز دارد؟ نه، در سرکشی و دوری از حق لجاج می‌ورزند.

در تفسیر قرطبی که ابن تیمیه آن را اقرب به قرآن و سنت و ابعاد از بدعت می‌شمارد (ر.ک؛ ابن تیمه، ۱۹۸۰: ۵۲) ذیل آیه فوق بر شرک ربوبی مشرکان تأکید دارد و ضمن اشاره به سخن ابن عباس، آیه «امن هذا الذی هو جند لکم» را استفهام انکار می‌داند؛ یعنی آلهه یاور و مانعی است برای شما تا شما را در برابر رحمن یاری دهد و شما را از عذاب خدای سبحان منع کند و از آنچه خدای سبحان از عذاب برای شما در نظر گرفته است منع کند (ر.ک؛ القرطبی، ۱۳۸۴: ۲۱۸/۸).

مشرکان مکه بت‌ها را قادر به ضرر رسانی می‌دانستند و رسول‌الله (ص) را از آسیب رساندن بت‌ها می‌ترساندند و بدیهی است چنین باوری برای بت‌ها نشان از شرک ربوبی ایشان به خدای سبحان بود؛ این آیه بر این نکته اشاره دارد:

«الَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (زمر: ۳۶)؛ آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده‌اش کافی نیست؟! اما آنها تو را از غیر او می‌ترسانند. و هر کس را خداوند گمراه کند، هیچ هدایت‌کننده‌ای ندارد!

شمس‌الدین قرطبی ذیل آیه فوق بیان می‌دارد که مشرکان، رسول‌الله (ص) را از رسیدن گزند بت‌ها می‌ترساندند و می‌گفتند: آیا خداوند ما را دشنام می‌دهی؟ اگر از بدگویی آن‌ها دست برداری یا تو را به مرض و جنونی گرفتار می‌کنند یا ضرری از سوی آنان به تو خواهد رسید (ر.ک؛ القرطبی، ۱۳۸۴: ۱۵ / ۲۵۸).

باور به ربوبیت خدای سبحان زمینه اخراج پیامبر اکرم (ص) و همچنین مؤمنان از مکه را فراهم آورد و قرآن کریم ضمن اشاره به این مهم با صراحت بر عدم باورمندی مشرکان به توحید ربوبی تأکید دارد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ» (ممتحنه: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خود را به دوستی اختیار نکنید. شما با آنان طرح

دوستی می‌افکنید و حال آنکه ایشان به سخن حقی که بر شما آمده است ایمان ندارند. و بدان سبب که به خدا، پروردگار و رب خویش ایمان آورده بودید، پیامبر و شما را بیرون رانند.

این آیه هم نشان گر باورمندی به ربوبیت الله در اخراج از مکه است:
«الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ» (حج: ۴۰)؛ آن مؤمنانی که به ناحق از خانه‌هاشان آواره شده (و جرمی نداشتند) جز آنکه می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست.

ابن کثیر با اشاره به دو آیه فوق، اذعان دارد که مومنین نزد مشرکان هیچ گناهی جز ایمان به رب العالمین نداشتند (ر.ک؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۸ / ۱۱۵). پیشتر ابو محمد بغوی (متوفی ۵۱۰ق) که نزد ابن تیمیه جایگاه ممتاز دارد (ر.ک؛ ابن تیمیه، ۱۹۸۰: ۳۱)، معترف بود که پیامبر (ص) و یاران مومن اش از دیار خود خارج نشدند جز به باورشان در ربوبیت الهی و بیان آنان که می‌گفتند: ربنا الله وحده (ر.ک؛ البغوی، ۱۴۲۰: ۳/۳۴۳). قرآن در آیه دیگر نیز ایمان به توحید ربوبی را دلیل نزاع مسلمانان و مشرکان می‌شمارد: «هَذَا نِ حُصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ» (حج: ۱۹)؛ این دو گروه در باره پروردگارشان به خصومت برخاسته‌اند.

امیر مؤمنان (ع) می‌فرمود این آیه درباره‌ی ما و آن‌هایی که در روز [جنگ] بدر با ما به مبارزه پرداختند، یعنی عتبه، شیبه و ولید نازل شد (حسکانی، ۱۳۹۳: ۵۰۵/۱). طبری درباره معنای این دو گروه بیان می‌دارد که برخی گروهی را اهل ایمان و گروه دیگر را بت پرستان از مشرکین قریش در نظر گرفتند که در جنگ شرکت جستند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۲۰: ۱۸ / ۸۵۷).

بحث و نتیجه‌گیری

سلفیان بر باورمندی مشرکان بر توحید ربوبی اصرار دارند و مدعی‌اند مشرکین عرب به ربوبیت خدا باور داشتند و تنها در عبودیت مشرک بودند و این قرائت خطا بهانه‌ای برای متهم کردن مسلمانان به دوری از توحید عبادی و افتادن در گرداب شرک است. تدبیر

جهان هستی منحصر به خداوند است و آیات الهی با اثبات توحید ربوبی، عبادت را برای خداوند منحصر می سازد و مفسران شرط باور به ربوبیت معبود را در تحقق عبادت امری لازم می داند؛ آنکه عبادت معبود پس از باور به ربوبیت او محقق می شود. باورمندی مشرکان به ربوبیت خدا فرض ناهمسو با دیدگاه سلف است و سلفیون فهم دگرگونی از فهم سلف در این زمینه دارند. در عصر جاهلی، مشرکان به ربوبیت معبودهای غیر خدا باور داشتند و اعتقاد به عرضیت غیر خدا همچون بت ها در کنار خدا در میان آنان جاری بود و قرآن غالب نزاع های مشرکان مکه با رسول الله (ص) و مومنین را بر محور ربوبیت خداوند سبحان می داند.

تحلیل آیات به خصوص آیه ۳۱ سوره یونس از سوی سلفیان واژگونه است و این فراز از آیه «سقولون الله» برای استقبال و آینده است و بر این مهم دلالت دارد که چنین سخنی در ذهن و بیان مشرکان نبود و ایشان بالفعل این باور را نداشتند و اگر آنان تدبر و تأمل کنند، به زودی اعتراف خواهند نمود. هر چند این فرض نیست بیان شده است که مشرکان در مقابل چنین پرسشی دروغ گفتند و خلاف باور و اعتقادشان اظهار کردند. آیات قرآن کریم گواه تأمل و مخالفت مشرکان در مقوله رازقیت پروردگار و امور دیگر از سوی خداوند است. و حتی آنان با صراحت بتان را رب می دانستند. در تدبیر و اداره هستی، تنها خداوند نقش ایفا می کند و اداره آن منحصر به اوست و کارگردانی دیگر علل در پرتو اذن و قدرت اوست؛ از این رو اعتقاد به مستقل بودن موجودات در تأثیر شرک در توحید ربوبی است. لیکن اعتقاد به اینکه برخی از بندگان خاص خداوند همچون برخی از پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام به اذن الهی قدرت انجام چنین اموری را دارند نه تنها شرک نیست بلکه عین توحید است. اشتباه عمدی سلفیان در شرک انگاشتن مسلمانان، عدم تفکیک تدبیر مستقل و تدبیر همراه با اذن خدا (ماذون) در هستی است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohammad Baqer
Pouramini



<http://orcid.org/0000-0003-2590-5685>

منابع

قرآن کریم.

ابن الكلبي، هشام بن محمد. (١٣٦٤). كتاب الاصلانم. تحقيق احمد زكي پاشا. ترجمه سيد محمد رضا جلالى نائينى. تهران: نشر نو.

ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم. (١٤٠٧). الزهد والورع والعباده. الاردن: مكتبة المنار. _____ . (١٤١٦). مجموع الفتاوى. المدينة المنوره: مجمع الملك فهد لطباعه

المصحف الشريف.

_____ . (١٩٨٠). مقدمه فى أصول التفسير. بيروت: دار مكتبة الحياه.

ابن جوزى، أبو الفرج عبد الرحمن بن على بن محمد. (١٤٢٢). زاد المسير فى علم التفسير. بيروت: دار الكتاب العربى

ابن كثير، إسماعيل بن عمر. (١٤٢٠ق). تفسير القرآن العظيم. بي جا. دار طيبة للنشر والتوزيع.

ابو حنيفه، نعمان بن ثابت. (١٤١٩). الفقه الأكبر. الامارات العربيه: مكتبة الفرقان

احمد بن فارس بن زكرياء. (١٤١٨). الصحاحى فى فقه اللغة العربيه ومسائلها و سنن العرب فى كلامها. بي جا. محمد على بيضون.

اشعري، ابو الحسن. (١٤١٣). رساله الى الهل الثغر بباب الابواب. لبنان: دار النشر مكتبة العلوم و الحكم.

الطبرى، ابو جعفر. (١٤٢٠ق). تفسير الطبرى. جامع البيان فى تأويل القرآن. بيروت: مؤسسه الرساله. الألوسى، شهاب الدين محمود. (١٤١٥ق). روح المعانى فى تفسير القرآن. بيروت: دار الكتب العلميه.

آل سعدى، عبد الرحمن بن ناصر. (١٤٢١). القول السديد شرح كتاب التوحيد. المملكه العربيه السعوديه. وزاره الشؤون الإسلاميه والأوقاف والدعوة والإرشاد.

بن باز. عبد العزيز. (١٤٢٠). مجموع فتاوى. بي جا: أشرف على جمعه وطبعه: محمد بن سعد الشويعر.

بيهقى، ابوبكر أحمد بن الحسين. (١٤٠٨). دلائل النبوه. بيروت: دار الكتب العلميه.

التعلبى، احمد بن محمد. (١٤٢٢). الكشف والبيان عن تفسير القرآن. بيروت: دار إحياء التراث العربى.

تحليل انتقادی موحد انگاری مشرکان در توحید ربوبی بر محور آیه ۳۱ سورة یونس؛ پورامینی | ۸۷

حاکم حسکانی. (۱۳۹۳). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
رازی، ابوالفتوح حسین بن علی. (۱۳۷۶). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد:
بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

الزمخشری، جارالله محمود بن عمرو. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار
الکتاب العربی.

الشنقیطی، محمد امین. (۱۴۱۵ق). *اضواء البیان*. بیروت: دارالفکر.
طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۸ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة
لجماعة المدرسين.

الطبرسی، امین الاسلام. (۱۴۱۵ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الاعلمی
للمطبوعات.

العثیمین، محمد بن صالح بن محمد. (۱۴۲۴). *فتاوی اركان الإسلام*. الرياض: دار الثريا للنشر
والتوزيع.

العسقلانی، أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر. (۱۴۱۵). *الإصابة فی تمییز الصحابه*. بیروت:
دارالکتب العلمیه.

القرطبی، محمد ابن احمد ابن ابی بکر. (۱۳۸۴ق). *الجامع لاحکام القرآن*. القاهرة: دار الکتب
المصریه.

محمد بن عبد الوهاب. (۱۴۱۸ق). *کشف الشبهات*. المملكة العربیه السعودیه: وزارة الشؤون
الإسلامیة والأوقاف والدعوة والإرشاد.

محمد بن عبد الوهاب. (بی تا). *القواعد الأربع*. الرياض: جامعة الإمام محمد بن سعود.
معتق، عواد بن عبدالله. (بی تا). *توحید الألوهیه*. کتاب مجله البحوث الإسلامیه، ج ۷۶. السعودیه.

الرئاسه العامه لإدارات البحوث العلمیة والإفتاء والدعوة والإرشاد.
المقدسی، المطهر بن طاهر. (بی تا). *البدء والتاریخ*. بورسعيد: مكتبه الثقافه الدینیه.

References

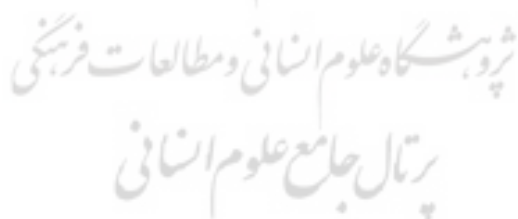
The Holy Quran.

Al-Moqadasi, al-Muthahar bin Tahir. (N.D.). *Beginning and history*.
Bursa'id: Al-Thaqafa Al-Diniyeh School. [In Arabic]

Abu Hanifah, Noman bin Thabit. (1999). *Al-Fiqh Al-Akbar*. United Arab
Emirates: Al-Furqan School. [In Arabic]

- Ahmed bin Faris bin Zakaria. (1998). *Al-Sahibi in the jurisprudence of the Arabic language and the issues and traditions of the Arabs in the words*. Mohammad Ali Bizzoon. [In Arabic]
- Al-Thalabi, Ahmad bin Muhammad. (2001). *Revealing and explaining the interpretation of the Qur'an*. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Zamakhshari, Jarallah Mahmoud bin Amr. (1986). *Al-Kashf on the mysterious facts of download*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Al-Shanqiti, Mohammad Amin. (1994). *Al Bayan lights*. Beirut: Dar al-Fekr.
- Ash'ari, Abul Hassan. (1992). *Risalah Ali Al-Hal al-Thaghr, Bab al-Abawab*. Lebanon: Dar al-Nashar, School of Science and Economics. [In Arabic]
- Al-Tabari, Abu Jafar. (2000). *Tafsir al-Tabari. Jame al-Bayan in the interpretation of the Qur'an*. Beirut: Al-Rasalah Institute. [In Arabic]
- Al-Alousi, Shahab-uddin Mahmoud. (1994). *The spirit of meanings in the interpretation of the Qur'an*. Beirut: Dar al-Kutub Al-Alamiya. [In Arabic]
- Al Saadi, Abd al-Rahman bin Nasser. (2000). *Al-Qol al-Sadid description of the Book of Al-Tawheed*. Kingdom of Saudi Arabia. Ministry of Islamic Affairs, Awqaf, Dawah and Guidance. [In Arabic]
- Al-Tabarsi, Amin al-Islam. (1994). *Assembly of Bayan in Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Al-Alami Institute for Press. [In Arabic]
- Al-Uthaymeen, Muhammad bin Saleh bin Muhammad. (2003). *Fatwa of the pillars of Islam*. Al-Riyadh: Dar al-Tharia for publication and distribution. [In Arabic]
- Al-Asqalani, Ahmed bin Ali bin Muhammad bin Ahmed bin Hajar. (1994). *Injured in discriminating companions*. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamieh. [In Arabic]
- Al-Qurtubi, Muhammad Ibn Ahmad Ibn Abi Bakr. (2005). *Al-Jami Lahkam Al-Qur'an*. Cairo: Dar al-Kutub al-Masriyyah. [In Arabic]
- Ben Baz Abdul Aziz (2000). *Total fatwa*. Ashraf Ali Juma and Taba: Muhammad bin Saad al-Shwaiyar. [In Arabic]
- Beyhaqi, Abu Bakr Ahmed bin Al-Hussein. (1987). *Evidences of Prophethood*. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamieh. [In Arabic]
- Hakem Haskani (2014). *The proofs of al-Tanzil for the rules of al-Fazil*. Beirut: Al-Alami Institute for Press. [In Arabic]
- Ibn al-Kalbi, Hisham ibn Muhammad. (1985). *Book of Names Ahmad Zaki Pasha's research*. Translated by Seyyed Mohammad Reza Jalali Naini. Tehran: No Publication. [In Persian]
- Ibn Taymiyyah, Ahmad bin Abd al-Halim. (1986). *Al-Zahd, Al-Worah and Ibadah*. Al-Jordan: Al-Manar School. [In Arabic]

- _____. (1995). *Total Fatawi*. Al-Madinah al-Munaura: Majmam al-Malik Fahd, the author of Al-Musaf al-Sharif. [In Arabic]
- _____. (1980). *Introduction to Usul al-Tafsir*. Beirut: Dar al-Hayyah Library. [In Arabic]
- Ibn Juzi, Abu al-Fraj Abdul Rahman bin Ali bin Muhammad. (2001). *Zad al-Masir in the science of interpretation*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar. (2000). *Tafsir al-Qur'an al-Azeem*. Dar Tayyaba for distribution and distribution. [In Arabic]
- Muhammad bin Abd al-Wahhab. (1998). *Discovering similarities*. Kingdom of Saudi Arabia: Ministry of Islamic Affairs, Endowments, Da'wah and Guidance. [In Arabic]
- Muhammad bin Abd al-Wahhab. (N.D.). *The rules of the four Al-Riyadh: Imam Mohammad bin Saud University*. [In Arabic]
- Mutaq, Awad bin Abdullah. (N.D.). Monotheism of God. *The book of Islamic Research Journal*. C. 76. Saudi Arabia The General Head of the Departments of Scientific Research, Ifta, Da'wah, and Irshad. [In Arabic]
- Razi, Abulfatuh Hossein bin Ali. (1997). *Ruz al-Jannan and Ruh al-Jannan in Tafsir al-Qur'an*. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [In Arabic]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1999). *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*. Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation of Jamaat al-Madrasin. [In Arabic]



استناد به این مقاله: پورامینی، محمدباقر. (۱۴۰۲). تحلیل انتقادی موحد انگاری مشرکان در توحید ربوبی بر محور

آیه ۳۱ سوره یونس، فصلنامه علمی پژوهش نامه معارف قرآنی، ۱۴(۵۴)، ۶۷-۸۹.

DOI: 10.22054/RJQK.2023.76085.2880



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.